با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

قرص متیل‌دوپا، مورد نیاز زنان باردار، در بازار نیست

قرص متیل دوپا برای کنترل پرفشاری خون در زنان باردار استفاده می‌شود که متأسفانه در بازار نیست و داروخانه‌ها می‌گویند اصلا تولید نمی‌شود. به‌عنوان مردی که همسرم باردار است و ریسک بارداری در سن بالا با هدف فرزندآوری را پذیرفته، از مسئولان سؤال دارم تکلیف امثال همسر من که گویا تعدادشان هم کم نیست چیست؟ اگر متیل دوپا تولید یا وارد نمی‌شود حداقل یک قرص جایگزین برای آن معرفی کنند! چرا قرصی که برای بیماری خاصی نیست و قبلا بدون نسخه هم عرضه می‌شد امروز نیست شده است؟

راستی از تهران

افزایش ۷۰درصدی قیمت بیسکوئیت و چیپس

روز دوشنبه برای خرید بیسکوئیت مورد علاقه فرزندم که معمولا برایش می‌خرم به سوپرمارکت رفتم. در کمال شگفتی بیسکوئیت ۵هزار تومانی در ۲۴ساعت به ۹هزار تومان افزایش قیمت داشت و چیپس ۱۵هزار تومانی را به ۲۵هزار تومان خریدم. فروشنده می‌گفت اینها را شب گذشته خالی کرده و افزایش قیمت ۷۰درصدی کالا در بخش فروش نیست.

هدایتی از مشهد

دستفروشان تجریش ساماندهی شوند

از کسبه میدان تجریش هستم که جواز کسب دارم و بابت جواز کسب مالیات و عوارض و... می‌دهم ولی متأسفانه چندسالی است که دستفروشان با حضور دائمی‌شان در مقابل مغازه‌های ما علاوه بر سدمعبر برای عابران، وضع کسب‌وکار ما را هم کساد کرده‌اند. درحالی که سال‌های قبل فقط به‌مدت ۱۰روز اجازه فعالیت داشتند. سؤال من این است که فرق ما که مالیات و عوارض شهرداری خودرا به‌طور مرتب پرداخت می‌کنیم با این افراد چیست و چرا شهرداری فکری اساسی به حال این وضعیت نمی‌کند؟

پورمهران از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

احیای خلیج گرگان چه شد؟

مسئولان مدام اعلام می‌کنند که خلیج گرگان طی یکی،دوسال آینده خشک خواهد شد. بهتر نیست به جای اعلام این خبر تلخ به‌دنبال راهکار باشند. مصوبات متعددی درباره خلیج گرگان در ستاد ملی حفظ و احیای تالاب‌های کشور وجود دارد که اگر تنها یکی از آنها به درستی اجرا می‌شد کار به اینجا نمی‌رسید. اکنون هم که کار به اینجا رسیده است توقع می‌رود احیای این خلیج جزو اولویت‌های محیط‌زیستی و منابع طبیعی استان گلستان باشد.

ندری از گرگان

قیمت داروها سرسام آور شده است

برای دریافت دارو به داروخانه مراجعه کردم. دارویی را که ماه‌گذشته خریداری کرده بودم امروز با قیمت ۷برابری خریدم! یک کارمند بازنشسته چطور باید این هزینه‌ها را تامین کند؟ چرا مسئولان فکر اساسی به حال قیمت دارو نمی‌کنند. دارو وسیله‌ای لوکس و غیرضروری نیست و با جان مردم سرو کار دارد.

کسمایی از تهران

جلوی ترک تحصیل دختران در کردستان گرفته شود

در کردستان بسیاری از دختران به مقطع متوسطه دوم نمی‌رسند و مجبورند پس از آن یا در خانه بمانند یا ازدواج کنند. آیا قانونی وجود ندارد که براساس آن همه موظف باشند حداقل تا پایان تحصیلات متوسطه به درس‌خواندن ادامه دهند. یکی از دوستان من که مادرش دیپلم دارد مجبور به ترک‌تحصیل شده چون توان تامین هزینه تحصیل خود و ۳برادرش سخت است در نتیجه تصمیم گرفته‌اند دختر خانواده ترک‌تحصیل کند و این ناعادلانه و غم‌انگیز است.

صلواتی از سنندج

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

خرید جهیزیه خارج از توان اکثر افراد است

خرید جهیزیه توسط خانواده عروس یکی از رسوم قدیمی ایرانیان است. متأسفانه در یکی،دوسال اخیر قیمت اجناس به قدری بالا رفته که با مقدار پولی که در سال‌های گذشته می‌شد یک جهیزیه متوسط و آبرومند تهیه کرد عملا قادر به تهیه و خرید ۲ یا ۳قلم جنس هستیم. این موضوع یکی از موانع تشکیل زندگی مشترک بین جوانان است و چه بسا دختری به‌خاطر نداشتن جهیزیه سال‌ها در خانه پدرش بماند. از مسئولان درخواست دارم با درنظر گرفتن تسهیلاتی در این زمینه به امثال من که تنها منبع درآمدشان یک حقوق بازنشستگی است کمک کنند تا شرمنده زن و فرزندشان نشوند.

نریمان از بروجرد

برگشت عوامل کنترل بلیت در ایستگاه‌های اتوبوس ضروری بود

عوامل کنترل بلیت در ایستگاه‌های اتوبوس چندی قبل بی‌سروصدا حذف شدند که تبعات مطلوبی نداشت و کمترین آن بیکار شدن عده‌ای بود که با همان اندک درآمد اموراتشان می‌گذشت. به تازگی دیده می‌شود که عوامل کنترل بلیت برگشته‌اند که بسیار خوب است و باعث می‌شود حق‌الناس دقیق‌تر رعایت شود و اموال ایستگاه‌های اتوبوس سالم بماند. در نبود این قشر خیلی‌ها بدون دادن کرایه از گیت عبور می‌کردند. جا دارد از مسئولانی که عوامل کنترل بلیت را بازگرداندند تشکر کنیم.

حیاتی از تهران

سرسره‌های پارک بافق نیازمند تعویض است

سرسره‌های پارک آبشار بافق در چند نقطه شکستگی دارد که تاکنون باعث آسیب‌دیدن چند کودک شده است. لطفا مسئولان پارک برای تعویض این سرسره‌ها که مورد استقبال بچه‌هاست سریع‌تر اقدام کنند.

سلمانی از بافق

متهمان به رغم همه مدارک پلیسی اتهام خود را انکار می‌کنند

۵جنایت در پرونده ۲برادر انتقامجو

دادسرا

همه‌چیز از اختلاف ۲طایفه در یکی از شهرهای جنوبی کشور شروع شد. وقتی افراد یک طایفه به ریش‌سفید طایفه دیگر توهین و فحاشی کردند، آتشی به پا شد که جان ۵نفر را گرفت. هرچند بررسی‌های پلیسی نشان می‌دهد پشت پرده این جنایت‌ها ۲برادر هستند و هر دوی آنها دستگیر شدند، اما متهمان می‌گویند که اختلافات با طایفه مقابل را قبول دارند اما ارتکاب قتل‌ها را نه.

به‌گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از دهم شهریور سال گذشته شروع شد. حدود ساعت یک بامداد اهالی خیابانی در حوالی نارمک صدای شلیک چندین گلوله را شنیدند و سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون آمدند. آنها موتورسواری را دیدند که مسلح بود و پس از شلیک چندین گلوله به‌سوی سرنشینان یک خودروی برلیانس، با موتورش از محل گریخت. شاهدان ماجرا را به پلیس و اورژانس گزارش کردند و با حضور مأموران تحقیقات آغاز شد. سرنشینان خودروی برلیانس ۲مرد بودند که هدف اصابت گلوله قرار گرفته و هردو جانشان را از دست دادند. راننده مردی حدودا ۴۰ ساله بود که جسدش پشت فرمان بود و دومین قربانی مردی حدودا ۵۰ساله بود که روی صندلی کنار راننده به قتل رسیده بود. گلوله‌ها از سلاح کلاشنیکف شلیک شده بود اما هیچ‌کس عامل جنایت را نمی‌شناخت. یکی از شاهدان به مأموران گفت: خودروی برلیانس دقایقی می‌شد که کنار خیابان پارک شده بود. ۲مرد داخل آن نشسته بودند و به‌نظر می‌رسید که منتظر فرد دیگری هستند. دقایقی بعد موتورسواری رسید و بی‌آنکه با سرنشینان خودروی برلیانس صحبت کند، اسلحه‌اش را بیرون کشید و آنها را به رگبار بست و فرار کرد.

در جست‌وجوی قاتل برادر

تیم جنایی در ادامه به بازرسی خودرو پرداختند و مدارکی یافتند که هویت قربانیان را فاش کرد. آنها از یکی از شهرهای جنوبی کشور به تهران آمده بودند و باهم رابطه فامیلی داشتند و از یک طایفه بودند. با شناسایی خانواده مقتولان معلوم شد که آنها به تهران آمده بودند تا قاتلی را به دام بیندازند ولی هر دو به قتل رسیده بودند. ماجرا از این قرار بود که حدود ۴۰روز قبل از حادثه، برادر راننده برلیانس در شهرشان با ضربات چاقو به قتل رسیده و عامل جنایت فرار کرده بود. برادر مقتول(راننده برلیانس) از همان زمان در تلاش بود تا ردی از قاتل پیدا کند تا اینکه فرد ناشناسی با وی تماس گرفت و گفت که قاتل در تهران مخفی شده است. او از راننده برلیانس خواسته بود که به تهران بیاید تا وی نشانی قاتل برادرش را به او بدهد و کمکش کند که او را دستگیر کند. پس از این تماس بود که راننده برلیانس به این امید که ردی از قاتل برادرش به‌دست آورد به همراه یکی از آشنایانش از شهرستان راهی تهران شدند. آنها وقتی به پایتخت رسیدند به سر قرار با مردی رفتند که مدعی بود نشانی قاتل فراری را می‌داند. اما وقتی داخل برلیانس منتظر رسیدن وی بودند، مرد موتورسواری به آنها نزدیک شده و هر دویشان را به گلوله بسته و به قتل رسانده بود.

معمای پیچیده

اطلاعاتی که پلیس از خانواده قربانیان به‌دست آورده بود نشان می‌داد که آنها با پرونده‌ای پیچیده روبه‌رو هستند. بی‌شک فردی که با راننده برلیانس تماس گرفته و او و دوستش را به تهران کشانده بود، پشت پرده این ماجرا بود اما هیچ ردی از او وجود نداشت. از طرفی مأموران احتمال می‌دادند که این جنایت با جنایتی که ۴۰روز قبل‌تر در شهرستان رخ داده و در جریان آن برادر راننده برلیانس به قتل رسیده بود در ارتباط است. به همین دلیل تیم تحقیق به بررسی آن پرونده پرداخت و معلوم شد جنایتی که در شهرستان رخ داده بود بر سر اختلافات طایفه‌ای بود.

درگیری طایفه‌ای

تحقیقات نشان می‌داد که طایفه مقتولان از مدتی قبل با طایفه دیگری در شهرشان دچار اختلاف شده بودند. این اختلافات زمانی به اوج خود رسید که عده‌ای از طایفه مقتولان به ریش‌سفید طایفه مقابل بی‌احترامی کردند. همین مسئله باعث شده بود که ۲برادر که اقوام ریش‌سفید طایفه مقابل بودند تصمیم به انتقام‌جویی بگیرند. آنها در ابتدا برادر راننده برلیانس را در شهرستان با ضربات چاقو به قتل رساندند. پس از آن وقتی دیدند که راننده برلیانس جست‌وجو برای پیدا کردن قاتل را آغاز کرده و تا وی را دستگیر نکند آرام نمی‌گیرد، نقشه قتل او را کشیدند. به همین دلیل در نقش فردی ناشناس با وی تماس گرفته و با این ادعا که نشانی قاتل را می‌دانند او و دوستش را به تهران کشانده و به ضرب گلوله به قتل رسانده بودند.

۲جنایت دیگر برای طلب بخشش

با این اطلاعات نام ۲مظنون حادثه در فهرست افراد تحت تعقیب قرار گرفت اما آنها خیلی حرفه‌ای عمل کرده بودند و سعی داشتند ردی از خودشان به جا نگذارند. هرچندوقت یک بار خط موبایل خود را عوض می‌کردند و محل سکونت‌شان را هم تغییر می‌دادند و همین مسئله ظن پلیس به آنها را بیشتر می‌کرد. این دو برادر تحت تعقیب بودند تا اینکه مدتی بعد جنایت دیگری رقم زدند. آنها یک روز تصمیم گرفتند برای اینکه سر و گوشی آب بدهند به شهرشان برگردند. ۲برادر نقشه دیگری هم داشتند. آنها می‌خواستند به سراغ پدر راننده برلیانس که ولی دم ۲نفر از مقتولان بود بروند، پنهانی او را ملاقات کرده و از وی طلب بخشش کنند تا پیش از دستگیری رضایت بگیرند. اما نقشه‌شان آنطور که تصور می‌کردند پیش نرفت. ۲برادر فراری به شهرشان برگشتند و سراغ پدر ۲مقتول رفتند و طلب بخشش کردند اما پدر مقتولان هنوز داغدار از دست دادن ۲پسرش بود و از قاتلان آنها کینه به دل داشت. به همین دلیل آن روز بین پدر مقتولان و ۲برادر جنایتکار درگیری به‌وجود آمد و آنها با شلیک گلوله جان پدر مقتولان را هم گرفتند و فرار کردند. اما این پایان ماجرا نبود، چرا که هنگام فرار در حالی که به‌شدت دستپاچه و مضطرب بودند موتورسواری را با ماشین زیر گرفته و باعث مرگ وی شدند.

با مرگ پدر مقتولان و جوان موتورسوار تعداد افرادی که به‌دست این دو برادر به قتل رسیده بودند به ۵نفر رسید و در این شرایط جست‌وجوی پلیس برای دستگیری آنها وارد مرحله‌ای تازه شد.

انکار عجیب

با گذشت یک سال از قتل‌ها سرانجام ردپای یکی از برادرها در مشهد به‌دست آمد و او در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد. چند روز بعد هم مخفیگاه برادر دیگر که متهم اصلی پرونده بود در پیشوای ورامین به‌دست آمد و او هم توسط مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شد. متهمان دیروز برای تحقیق به دادسرای جنایی تهران منتقل شدند اما با وجود اینکه مدارک و شواهد علیه‌شان بود جنایت‌ها را انکار کردند. یکی از آنها گفت: من با مقتولان (پدر و ۲پسر) اختلافات زیادی داشتم. از اختلاف طایفه‌ای و حرف و حدیث‌های فامیلی تا اختلاف مالی بر سر زمین و ملک اما دلیل نمی‌شود که بخواهم جانشان را بگیرم. این دو برادر درحالی قتل‌ها را انکار می‌کنند که تصاویر آنها هنگام تیراندازی به سمت سرنشینان خودروی برلیانس به‌دست آمده و همه شواهد و مدارک علیه آنهاست. در این شرایط آنها به دستور قاضی محمد حسین زارعی بازپرس دادسرای جنایی تهران برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند و بررسی‌ها برای کشف راز ۵جنایت هولناک ادامه دارد.

بازداشت اسیدپاشی که دلش می‌خواست شاعر شود

دادسرا

پسر شیشه‌ای که به اتهام اسیدپاشی به دختری جوان در پایتخت دستگیر شده، مدعی است که می‌خواسته خودش را قربانی کند اما ناخواسته به دختری که او را نمی‌شناخته آسیب رسانده است.

به‌گزارش همشهری، ساعت ۱۹:۲۰ دوشنبه بیست و یکم شهریور ساکنان طرشت چشمشان به صحنه دردناکی افتاد. دختری جوان از یک باشگاه ورزشی خارج شده و درحالی که منتظر ماشین بود، جوان موتورسواری به او نزدیک شد و روی وی اسید پاشید و فرار کرد.

دختر جوان وحشتزده فریاد می‌زد و کمک می‌خواست و شاهدان به کمکش رفتند و همزمان با پلیس و اورژانس تماس گرفتند. با حضور اورژانس، دختر جوان به بیمارستان انتقال یافت و تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان تحقیقات برای شناسایی و دستگیری اسیدپاش را آغاز کردند. مأموران در ابتدا به سراغ دختر جوان که از ناحیه سر، صورت، دست و کمر دچار سوختگی شده بود، رفتند و به تحقیق از او پرداختند. وی گفت: برای ثبت‌نام به باشگاه ورزشی که در نزدیکی خانه‌مان بود رفتم و پس از ۱۰دقیقه از باشگاه خارج شدم. کنار خیابان بودم که ناگهان جوانی که سوار بر موتور بود به سمتم آمد و به روی من اسید پاشید. ابتدا تصور کردم که او به شوخی به رویم آب ریخته اما وقتی احساس سوختگی کردم فهمیدم که محتویات ظرف، اسید بوده است. وی ادامه داد: پسر جوان را نمی‌شناختم و نمی‌دانم انگیزه او چه بوده است.

پایان فرار اسیدپاش

دقایقی از حادثه اسیدپاشی می‌گذشت که به مأموران خبر رسید پسری جوان که دچار سوختگی شده برای درمان به یکی از مراکز درمانی مراجعه کرده و وقتی مسئولان اورژانس متوجه شدند سوختگی او به‌خاطر اسید است پلیس را در جریان قرار داده‌اند. با دستگیری پسر جوان معلوم شد که وی همان موتور سوار اسیدپاش است که خودش هم در این حادثه صدمه دیده بود.

متهم پس از درمان اولیه سوختگی‌هایش دستگیر شد و صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای جنایی تهران انتقال یافت. او وقتی پیش روی قاضی ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم قرار گرفت مدعی شد که قصد داشته به روی خودش اسید بپاشد اما ناگهان دختر جوان سر راهش قرار گرفته و به اشتباه به روی او هم اسید پاشیده است، درحالی که قصدی نداشته به کسی آسیب برساند. او مدعی شد که دختر جوان را نمی‌شناخته و هرگز او را ندیده است. متهم که رفتار عجیبی داشت با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفت.

گفت‌وگو

رویای شاعری

جوان اسیدپاش متولد سال ۶۴ است و می‌گوید تا به حال پایش به کلانتری و اداره پلیس بازنشده و سابقه‌دار نیست. او حرف‌های عجیب و غریبی می‌زند و مدعی است که شیشه و گل مغزش را نابود کرده و حافظه‌اش را هم از دست داده است. لحظه‌ای آرام و قرار ندارد و نمی‌تواند روی صندلی بنشیند. گاهی به در و دیوار شعبه بازپرسی نصب شده خیره می‌شود و با خودکاری که روی میز است چیزی روی دستش می‌نویسد و گاهی نیز به فکر فرو می‌رود و چیزی نمی‌گوید. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چه چیزی روی دستت نوشتی؟

شعری که روی تابلو نوشته شده است را روی دستم نوشتم تا حفظش کنم. چون خیلی شعر قشنگی است. آخر می‌دانید من عاشق شعر هستم. ریا نباشد خودم هم گاهی شعر می‌گویم. البته هر وقت شیشه یا گل می‌کشم طبع شعرگویی‌ام گل می‌کند. آرزویم این است که روزی یک شاعر مشهور شوم!

پس چرا معتاد شدی؟

روزگار مرا به اینجا کشاند. از وقتی پدرم را از دست دادم دچار افسردگی شدید شدم. سال ۹۹ بود که پدرم فوت شد و من از آن موقع هم مواد مصرف می‌کنم و هم قرص‌های آرامبخش.

قبل از آن هم به شعر و شاعری علاقه داشتی؟

بله.

با دختری که به روی آن اسید پاشیدی چه اختلافی داشتی؟

هیچ اختلافی. من اصلا او را نمی‌شناختم.

پس چرا به روی او اسید پاشیدی؟

باور کنید اصلا متوجه نشدم. قصدم آسیب رساندن به خودم بود که از شانس بد دختر جوان، به روی او هم اسید پاشیده و مصدوم شد. فکر می‌کنم لحظه‌ای که روی موتور بودم و می‌خواستم به روی خودم اسید بپاشم همزمان از کنار دختر جوان رد شدم و همین باعث شد که بخشی از اسید هم به روی او پاشیده شود.

چرا قصد داشتی به روی خودت اسید بپاشی؟

ورشکست شده بودم. (متهم سپس شروع به تعریف کردن ماجرایی می‌کند که احتمالا زاییده تخیلاتش است) راستش من در کار واردات لوازم یدکی ماشین بودم و یک محموله بزرگ را وارد کشور کرده بودم. قاچاق نبود اما نمی‌دانم چرا این محموله را توقیف کردند. این اتفاق باعث شد ضرر ۹-۸ میلیارد تومانی به من وارد شود. من هم که به‌شدت از این اتفاق ناراحت بودم، مواد خریدم و مصرف کردم. سپس قرص‌های آرامبخش خریدم و از خانه بیرون زدم. نمی‌دانم چطور و از کجا اسید خریدم تا به‌خودم آسیب بزنم.

حتی نمی‌دانی چطور اسید تهیه کرده‌ای پس چطور معامله میلیاردی انجام داده بودی؟

وقتی همزمان مواد می‌کشم و قرص مصرف می‌کنم مغزم قفل می‌شود و حافظه‌ام را از دست می‌دهم. انگار یک انسان بی‌مغز و بی‌عقل هستم. چیزی یادم نیست، فقط لحظه‌ای را به‌خاطر دارم که احساس سوختگی کردم. آنجا بود که به‌خودم آمدم و گفتم خدایا اشتباه کردم. انگار از یک خواب عجیب بیدار شده بودم و بعد سراسیمه خودم را به مرکز درمانی رساندم تا از این وضعیت و درد و سوختگی خلاص شوم. اما بعد دستگیرم کردند و گفتند به روی دختری اسید پاشیدی.

سابقه داری؟

نه نخستین بار است که پایم به دادسرا و کلانتری باز شده است.

چقدر درس خوانده‌ای؟

فوق دیپلم صنایع دارم. در ایران مدرکم را گرفته‌ام.

مگر در کشور دیگری هم درس خوانده‌ای؟

نه اما دلم می‌خواست به آمریکا سفر کنم و در یکی از دانشگاه‌های معتبر آنجا هم درس بخوانم و پروفسور شوم!

چه آرزوهای عجیبی داری. گفتی معامله میلیاردی انجام داده بودی. سرمایه‌اش را از کجا آورده بودی؟

متهم می‌خندد و پاسخ این سؤال را نمی‌دهد.

مرد اردبیلی به بیماران زندگی بخشید

اعضای بدن مردی که دچار مرگ مغزی شده بود، با اعلام رضایت خانواده‌اش به چند بیمار نیازمند اهدا شد و زندگی دوباره‌ای به آنها بخشید.

به‌گزارش همشهری، این مرد ۴۲ساله که عبدالرحیم معزز ابلی نام داشت و اهل و ساکن روستای خوجین از توابع شهرستان خلخال بود، چند روز قبل به‌دنبال افت هوشیاری به بیمارستان منتقل شد. شرایط او به‌گونه‌ای بود که دچار خونریزی شدیدی شده بود و هر لحظه وضعیتش وخیم‌تر می‌شد. در این شرایط بود که او از خلخال به اردبیل منتقل شد و به‌دلیل خونریزی مغزی وسیع و غیرقابل جراحی در بخش آی‌سی‌یو بستری شد. با وجود تلاش گسترده پزشکان اما هر لحظه وضعیت او وخیم‌تر می‌شد تا اینکه با افت سطح هوشیاری، دچار مرگ مغزی شد. در این شرایط بود که متخصصان واحد فراهم‌آوری اعضا و نسوج پیوندی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل برای جلب رضایت اولیای دم بیمار مرگ مغزی و اهدای اعضای بدن او با آنها وارد گفت‌وگو شدند. خانواده این مرد وقتی مطمئن شدند که هیچ راهی برای برگشت او به زندگی وجود ندارد، رضایتنامه را امضا کردند و مقدمات انجام کار آغاز شد. پیکر این مرد صبح دیروز برای اهدای عضو از اردبیل به تهران اعزام شد و قرار است پس از جداسازی، اعضای پیوندی به بیماران نیازمندی که از مدت‌ها قبل در انتظار دریافت عضو پیوندی بودند اهدا شود.

در ۶ماه اول امسال این هفتمین مورد اهدای عضو در اردبیل است.

کوتاه از حادثه

زورگیر بزرگراه نیایش حکم اعدامش را امضا کرد

حکم اعدام سارق جوانی که فیلم زورگیری‌اش از زنی جوان در بزرگراه نیایش باعث دستگیری‌اش شد و پرده از ده‌ها فقره از زورگیری او در پایتخت برداشت روز گذشته در دادگاه انقلاب به او ابلاغ شد.

به گزارش همشهری، این تبهکار ۱۸ساله که از اتباع افغانستان است پس از آنکه روز شنبه در شعبه ۱۵دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اتهام محاربه محاکمه شد، روز گذشته بار دیگر از زندان به دادگاه منتقل شد تا رأی صادر شده به او ابلاغ شود.

در جلسه قرائت رأی پس از رسمیت یافتن جلسه دادگاه قاضی صلواتی به قرائت بخشی از حکم پرداخت و آن را به متهم ابلاغ کرد. او گفت: متهم امان حبیب‌اللهی فرزند عبدالله، معروف به عماد، با عنایت به گزارش مأموران فراجا، اقاریر صریح خود مبنی بر ۲۰ فقره سرقت به روش زورگیری، شکایت حداقل ۵۰ شاکی، فیلم سرقت مقرون به آزار در اتوبان نیایش و شهید چمران، مواجه حضوری متهم با شکات، اظهارات شاهدان عینی، نظریه پزشکی قانونی دایر بر اینکه زمان ارتکاب جرم علایمی از اختلال بارز روانپزشکی که موجب فقدان قوه تمیز و کنترل اراده باشد احراز نشده است، به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح و مشارکت در سرقت مسلحانه مقرون به آزار در شب به اعدام محکوم شد.

قاضی صلواتی در ادامه گفت: متهم درخصوص مشارکت در سرقت‌های مقرون به آزار در روز و شب به تحمل ۲۰ سال حبس و درخصوص مشارکت در ۲۹ فقره سرقت گوشی تلفن همراه در روز و مشارکت در ۱۶ فقره سرقت گوشی تلفن همراه در شب به تحمل ۵ سال حبس و در رابطه با تمامی سرقت‌ها و گرفتن اموال شکات به رد مال محکوم شد.

او ادامه داد: با توجه به اقدامات متهم که امنیت و آسایش و آرامش مردم و جامعه را به مخاطره انداخته است، محاربه وی برای دادگاه محرز شده و به استناد آیه شریفه ۳۳ سوره مائده و مواد ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۳، ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۶۵۲، ۶۵۷، ۶۶۷، ۷۲۳ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ این حکم صادر شده است.

وی با بیان اینکه حکم صادره ظرف ۲۰ روز قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است، گفت: این حکم عبرتی برای زورگیران، سارقان مسلح، اراذل و اوباش و کسانی که امنیت و آسایش مردم را به مخاطره می‌اندازند، است و این افراد بدانند که با برخورد قاطع و بدون اغماض و تعارف و بدون ارفاقات قانونی مواجه خواهند شد.

غرق‌شدن پدر در مقابل چشمان اعضای خانواده‌اش

مرد جوان که همراه اعضای خانواده‌اش برای شنا وارد منطقه شناممنوع شده بود، تاوان این اشتباه بزرگ را با جانش پس داد.

به گزارش همشهری، این حادثه تلخ عصر روز دوشنبه در خشک‌بیجار واقع در استان گیلان اتفاق افتاد. این مرد ۳۴ساله که اهل کرمانشاه بود همراه با اعضای خانواده‌اش برای تفریح به این منطقه رفته بودند. آنها پس از ساعتی تفریح در ساحل تصمیم گرفتند برای آب‌تنی وارد دریا شوند. این در حالی بود که آن منطقه محدوده شناممنوع و جایی خطرناک برای آب‌تنی بود. مرد جوان چنددقیقه از ورودش به دریا نگذشته بود که ناگهان دچار حادثه شد و هرچه تلاش کرد نتوانست خودش را نجات دهد و هیچ نجات غریقی نیز در آن حوالی نبود.

سرهنگ محمود حافظی، فرمانده انتظامی رشت با اعلام جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع اعلام خبر غرق‌شدن فردی در دریای خزر در بخش خشک‌بیجار شهرستان رشت، مأموران انتظامی خود را به محل حادثه رساندند. او و خانواده‌اش مسافر بودند که به اشتباه وارد منطقه شناممنوع شده بودند و این مرد به‌دلیل ناآشنابودن با فنون شنا غرق شد. او در ادامه گفت: با تلاش گروه‌های امدادی پیکر این مرد از آب بیرون کشیده و با هماهنگی قضایی به پزشکی‌قانونی منتقل شد.

سرهنگ حافظی از گردشگران خواست با توجه به علائم و هشدارها، از شناکردن در مناطق خطرآفرین خودداری کنند.

تلاش برای تعیین هویت قربانیان آتش‌سوزی خودروی زائران

متخصصان پزشکی قانونی به‌دنبال شناسایی هویت ۱۰زائر ایرانی جانباخته در آتش‌سوزی اتوبوس در عراق هستند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این کار دست‌کم ۳هفته زمان خواهد برد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل در جریان تصادف یک اتوبوس حامل زائران ایرانی اربعین با یک دستگاه تریلی حامل کپسول گاز در جاده کوت- مهران، حادثه دلخراشی اتفاق افتاد و ۱۱نفر جان خود را از دست دادند و دست‌کم ۳۰نفر مصدوم شدند. شدت این حادثه به حدی بود که هویت قربانیان قابل شناسایی نبود. در این شرایط پیکر جانباختگان برای تعیین هویت به پزشکی قانونی ایلام منتقل شد و از آن زمان تاکنون تلاش‌های تخصصی برای روشن شدن هویت متوفیان ادامه دارد.

دکتر سلیم خانی، مدیرکل پزشکی قانونی استان کرمانشاه در این‌باره گفت: در این حادثه دلخراش متأسفانه ۱۰ نفر از هموطنان‌مان جان خود را از دست دادند که با توجه به‌شدت سوختگی، هویت اجساد قابل تشخیص نیست و به همین دلیل با انتقال اجساد به پزشکی قانونی استان ایلام، نمونه‌های ژنتیک از آنها گرفته شده است.

او ادامه داد: کرمانشاه مرکز ژنتیک قطب غرب کشور است و در همین راستا، نمونه‌های گرفته شده از ایلام به پزشکی قانونی کرمانشاه ارسال شده است. همراه نمونه‌های ژنتیک اجساد، نمونه‌های ژنتیک گرفته شده از بستگان نزدیک این افراد هم وجود دارد و تا ۳ هفته دیگر نتیجه آزمایش DNA اعلام و هویت این ۱۱ فوتی مشخص می‌شود.